



خدیده از زنان با فضیلت بهشت است / نقش حضرت خدیجه در پیشبرد اسلام

یک استاد حوزه علمیه گفت: در روایتی دو عامل سبب ثبات اسلام معرفی شده است؛ یکی شمشیر حضرت علی(ع) و دیگری ثروت حضرت خدیجه(س) و بدون شک نقش ایشان در پیشبرد اسلام بدیهی و انکارناپذیر است.

یک استاد حوزه علمیه گفت: در روایتی دو عامل سبب ثبات اسلام معرفی شده است؛ یکی شمشیر حضرت علی(ع) و دیگری ثروت حضرت خدیجه(س) و بدون شک نقش ایشان در پیشبرد اسلام بدیهی و انکارناپذیر است.

آیت‌الله سید مختار میرعظیمی، استاد حوزه علمیه در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار کرد: حضرت خدیجه ام المومنین نه فقط در مقام همسری پیامبر اکرم که خود توفیقی عظیم است، بلکه در رتبه پیشگامان در اسلام و خدمتگزاران در راه تبلیغ آیین محمدی، درخشانده و بی بدیل هستند. طبق روایات شیعه و سنی و بدون هیچ شکی حضرت خدیجه برترین همسر پیامبر بود و تا زنده بود پیامبر همسر دیگری اختیار نفرمود.

خدیده از زنان با فضیلت بهشت است

این استاد حوزه گفت: پیامبر شیفته حضرت خدیجه بود و در مورد ایشان می فرمود: «إِنِّي رَزَقْتُ حَبَّهَا»؛ یعنی حب خدیجه رزق و روزی از جانب خداوند برای من است. «وَأَمَّا خَدِيجَةُ فَهِيَ الْمَرْغُوبَةُ»؛ همچنین می فرمودند: «خَدِيجَةُ مِنْ نِسَاءِ الْمُسْلِمِينَ»؛ خدیجه از زنان با فضیلت بهشت است. «وَأَمَّا خَدِيجَةُ فَهِيَ الْمَرْغُوبَةُ»؛ در میان همه همسران پیامبر، نسل ایشان فقط از جانب حضرت خدیجه و انحصاراً توسط حضرت فاطمه بود که ادامه یافت و از همین کوثر و نعمت عظمی بود که زمین از اولاد پیامبر فراگیر شد.

مادر دوازده امام

آیت‌الله میرعظیمی ادامه داد: امامان در معرفی خود، نام ایشان را با افتخار و احترام ویژه‌ای ذکر می‌کنند. ایشان مادر دوازده امام هستند چراکه حضرت علی نیز در خانه پیامبر رشد و تربیت یافتند و حضرت خدیجه به نوعی در مقام مادری ایشان هستند. خدیجه به معنای غریبه و گسسته از هر بدی است و در میان اعراب جاهلی، ایشان ملقب به طاهره و سیده قریش بودند و در انجیل با اسمائی چون طیبیه و طاهره و مبارکه به‌عنوان همسر آخرین فرستاده الهی معرفی شده‌اند و جناب ابوطالب ایشان را هم مصداق نام مبارکش، بیزار و دور از تمام عادات زنان جاهلی معرفی می‌کند.

این استاد حوزه علمیه خاطرنشان کرد: در عصری که ثروت او را مشهور و ایمان او را محترم نموده بود و چیزی کم نداشت، با باور وعده الهی و با قرار گرفتن داوطلبانه و عاشقانه در مسیر سخت زندگی پیامبر و در روزهای سخت تبلیغ دین، سپر سنگ‌های مشرکان بر پیامبر می‌زد و با تمام قوا همه هم‌وغمش را در حمایت از پیامبر متمرکز کرده بود. پیامبر در روایتی می‌فرماید: «خَدِيجَةُ وَأَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ! صَدَقْتَنِي حِينَ كَذَّبَنِي النَّاسُ»؛ خدیجه، کجاست مثل خدیجه! زمانی که مردم تکذیب کردند، تصدیق کردند.

آیت‌الله میرعظیمی گفت: ایشان مقامی قابل ستایش در نزد خداوند داشتند تا جایی که در وحی الهی به پیامبر، خداوند همواره به ایشان سلام می‌رسانید و جبرئیل با سلام مضاعف خود آن را به پیامبر ابلاغ می‌فرمود. او فدایی بود که اینار و جان‌فشانی برای دفاع از مقام ولایت را برای دخترش فاطمه به یادگار گذاشت. در حالی از دنیا رفت که دختر پنج ساله‌اش فاطمه، بی‌قرار او بود و او بی‌قرار دختری که سرانجامی پرفراز و نشیب ولی کوتاه خواهد داشت. داستان غمگین لحظات خاک‌سپاری ایشان توسط پیامبر مشابیه بسیاری به لحظات تلخ و سنگین دفن حضرت زهرا توسط امیرالمؤمنین دارد و این که هر دو بزرگوار برترین یار خود را چه زود و در چه موقعیت حساسی از دست دادند! و صبور و راضی به قضای خداوند بودند، چرا که خداوند برای توکل کنندگان کفایت می‌کند، «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»؛

نقش حضرت خدیجه در پیشبرد اسلام

آیت‌الله میرعظیمی بیان کرد: آیاتی در قرآن هست که مخاطب اصلی آنها کسانی است که همه دارایی خود را در راه خدا صرف می‌کنند، مسلماً حضرت خدیجه، اولین و بارزترین شخصی است که در اسلام مصداق اتم این

آیات قرار می‌گیرد. در روایات سه عامل در نشر اسلام مؤثر شناخته شده است: یکی اخلاق نبی اکرم و دوم صبر پیامبر بر مصائب و عامل سوم ثروت حضرت خدیجه که در اختیار پیامبر قرار گرفت. در روایتی دیگر دو عامل سبب ثبات اسلام معرفی شده، یکی شمشیر حضرت علی و دیگری ثروت حضرت خدیجه و بدون شک نقش ایشان در پیشبرد اسلام بدیهی و انکارناپذیر است. پیامبر(ص) در روایتی می‌فرماید: «برترین زنان بهشت چهار نفر هستند؛ فاطمه و خدیجه و مریم و آسیه».

استاد برجسته حوزه علمیه افزود: حضرت خدیجه که پیرو دین حنیف و دارای عقیده توحیدی بود، در میان همه خواستگاران خود با ویژگی‌های انحصاری آنها چون مهتری و ثروت و نسب، هنوز آنچه را که طالب آن بود نیافته بود و کسی را هم‌کفو با اندیشه خود نمی‌دید، تا این‌که قدر و منزلت پیامبر بر ایشان آشکار شد و شیفته پیامبر گردید. در پایان سفر تجارتی مضاربۀ ای خدیجه با پیامبر برخلاف رسم اعراب جاهلی که معاملاتشان ربوی بود، "میسره" غلام حضرت خدیجه شرح حالات خاص پیامبر و علامات از نبوت را که در ایشان نمودار بود به ایشان گزارش داد. حضرت خدیجه پس از مشورت با ورقه بن نوفل؛ پسرعموی خود و رسیدن به اطمینان در مقام معنوی حضرت محمد، برخلاف قاعده و رسم ازدواج، دیگر تعلل را جایز ندید و خود با جدیت از محمداًمین، جوان درستکار و زبازد عرب خواستگاری کرد و در تمام زندگی با تمام هستی و قدرت خود به دفاع از پیامبر برخاست و یار و همراه با فرستاده‌ای الهی شد که بنا بر تأکید قرآن بیشترین زحمت رسالت در میان انبیاء بر دوش ایشان بود.

آیت‌الله میرعظیمی ادامه داد: ایستادگی در مقابل دشمنی‌های قریش، فشار محاصره اقتصادی، آزار و اذیت و محرومیت‌ها و شکنجه‌ها برای پیامبر، همراهان همیشگی جز حضرت خدیجه و حضرت علی نداشت. حضرت علی(ع) در یکی از خطبه‌های خود با اشاره به غربت اسلام می‌فرماید: «و لم یجتمع بیت واحد یومئذ فی الإسلام غیر رسول الله و خدیجه و أنا ثالثهما! آری نور الوحی و الرساله و أشمّ ریح النبوه؛ خانواده مسلمانی در اسلام نبود، جز خانواده‌ای که از پیامبر و خدیجه تشکیل شده بود و من سومین آنها بودم. نور وحی و رسالت را می‌دیدم و بوی نبوت را استشمام می‌کردم».

استاد برجسته حوزه علمیه گفت: وقتی پیامبر پس از اولین وحی الهی و در اوج هیجان به خانه آمد و جریان غار حرا را برای همسر رازدار و باوفای خود تعریف کرد، خدیجه با احترام بسیاری ایشان را تسلی داده و در حق ایشان دعا کرد و فرمود که خداوند تو را یاری خواهد کرد. سپس به نزد ورقه بن نوفل رفت و نحالات پیامبر را شرح داد و جواب او را در محقق شدن وعده الهی مبنی بر آغاز رسالت پیامبر با این جمله دریافت کرد: «إِنَّ بَنَیَّ لَبَدَ النَّبِیَّةِ وَ إِبْنَهُ لَیَأْتِیَهُ النَّامُوسُ الْأَكْبَرُ» پس از آن شهادتین را گفت و به هر آنچه پیامبر آورده بود، بی کم‌وکاست ایمان آورد و اولین بانویی بود که با قبول ولایت حضرت علی دین خود را به اکمال رسانید.

آیت‌الله میرعظیمی خاطرنشان کرد: پس از سه سال رازداری حضرت خدیجه در آن امر مهم و حساس و همراهی همه‌جانبه پیامبر، وقتی نوبت به دعوت آشکار و نزول آیه «وَ أَنْذِرْ عَشِیرَتَکَ الْأَقْرَبِینَ» رسید، حمایت خود را وسیع‌تر کرد. از جمله مطالبی که ابن اثیر بیان داشته این است که: وقتی در دوران جاهلیت وارد مکه شدم، مردی را دیدم که پسری در سمت راست او با او به رکوع و سجود می‌روید و بانویی نیز در کنار آنها همین کار را انجام می‌دهد با تعجب از ابن عباس درباره آنها سؤال کردم و او گفت: آن مرد محمد بن عبدالله و آن پسر برادرزاده من و آن زن همسر او خدیجه است. او می‌گوید روزی فرا خواهد رسید که خزانه‌های کسری و قیصر را در اختیار خواهد داشت ولی به خدا سوگند روی این زمین کسی پیرو این آیین نیست جز همین سه نفر، و این‌گونه اسلام با شعار جهانی‌اش در نهایت غربت از نقطه‌ای کوچک آغاز شد درحالی‌که سه مؤمن واقعی و حقیقی داشت و سادگی و صداقت و خلوصشان قلوب طالبان حقیقت را تسخیر کرد.

استاد برجسته حوزه علمیه ادامه داد: اینکه اولاً دنباله‌رو راهی الهی باشی که هیچ‌کس طالب آن نیست و دشمنان بسیاری دارد و دوماً اینکه علی‌رغم مشکلات بسیار، در آن ثابت‌قدم بمانی و سوماً همه هستی خود را هزینه اعتقادات کنی که فقط پرداختن به جنبه مادی آن خود خلوص و ثبات بسیاری را می‌طلبد، در مقام کلمات راحت بیان می‌شود و فقط از کسی بر می‌آید که ایمان کامل و وافی به حقانیت راهش دارد و این مسیری بود که حضرت خدیجه با آگاهی قدم در آن نهاد و باثبات قدم و وفاداری تا آخر ادامه داد. می‌توان گفت همه ثروت حضرت خدیجه آسان‌ترین هزینه برای ایشان با لحاظ کردن جایگاه معنوی ایشان در قبال رسیدن به این مقام بود، همان امتحانی که برای برخی می‌تواند گذشتن از قسمت کوچکی از آن در قالب احکام و وظایف دینی چون انفاق به فقرا و پرداخت خمس و زکات و عودت مال یتیم، سخت‌ترین محک باشد. ایمان و اعتقاد واقعی و تسلیم محض و عامل به آن بودن، اهرمی است که در این مسیر معجزه می‌کند، همان چیزی که اسلام کامل دربردارنده آن است.

آیت‌الله میرعظیمی بیان کرد: پیامبر در اوج جوانی و با لحاظ کردن مقتضیات این دوران به‌زنج‌وای با بانویی عقیقه که ثروت سطحی‌زنج‌ترین و ابتدایی‌زنج‌ترین مشخصه در میان فضایل ایشان بود، در شرایط مادی ویژه‌زنج‌ای قرار گرفتند که می‌زنج‌توان گفت خود آن‌زنج‌هم وسیله‌زنج‌ای برای امتحان الهی برای سنجش ثبات قدم و اعتقاد قلبی پیامبر بود که از همان آغاز و قبل از کسب مقام رسالت نیز پشت پا بر مادیات زده و از فرصت پیش‌زنج‌آمده برای دلجویی و رسیدگی به فقرا استفاده کردند و خانه آنها خانه امید درماندگان شد و همین نعمت ثروت بعدها وسیله‌زنج‌ای برای تقویت موضع ایشان در قبال قریش و برای گسترش و حمایت مادی پیامبر و تأمین نیازهای تازه‌زنج‌مسلمانان در نهایت سخت‌زنج‌گیری‌های مکان گردید.

استاد برجسته حوزه علمیه تصریح کرد: وقتی پیامبر در پاسخ بزرگان قریش و پیشنهادت وسوسه‌زنج‌برانگیز آنان برای دست برداشتن از دینش فرمود: اگر خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپ من بگذارید، دست از دین خود برنمی‌زنج‌دارم، یقین داشت که خداوند نعمت داشتن ماه و خورشید را نه در دستان ایشان بلکه در قلبشان با اعطای خدیجه‌زنج‌ای که برتر از ماه و خورشید است به باشکوه‌زنج‌ترین شکل ممکن داده است.

جلوگیری از نقل حدیث از حضرت خدیجه

آیت‌الله میرعظیمی گفت: مطلب قابل‌زنج‌تأمل در زندگی حضرت خدیجه اقوال مشهور ولی اشتباهی است که در مورد ایشان وجود دارد. مغرضان به‌زنج‌منظور جلوگیری از نشر ویژگی‌زنج‌های و جایگاه خاص این بانوی بزرگوار و بنا بر اهداف سیاسی از نقل بسیاری از احادیث و مطالب در مورد حضرت خدیجه جلوگیری کرده و در مقابل به رفیع جلوه دادن جایگاه عایشه می‌زنج‌پرداختند و او را أم المؤمنین می‌زنج‌نامیدند. نتیجه این اقدامات شیوع اشتباهات فاحش و رایجی درباره زندگی این بانوی بزرگوار شد که اصلاح آنها نیاز به توجه ویژه دارد. ازجمله آنها اختلاف در سن ایشان در وقت ازدواج با پیامبر است که معروف است که ایشان در سن چهل سالگی به ازدواج پیامبر درآمدند درحالی‌زنج‌که طبق اسناد تاریخی معتبر و بنا بر تحقیق در منابع مهم و اصیل، نهایتاً در وقت ازدواج ۲۸ ساله بودند و دقیق‌زنج‌ترین اسناد، تاریخ ولادت ایشان را در سال عام الفیل و یا سه سال قبل از عام الفیل می‌زنج‌دانند، ولی آنچه مسلم و قطعی است این است که ایشان از پیامبر بزرگ‌زنج‌تر بودند و بنا بر صحیح‌زنج‌ترین اسناد سن پیامبر در وقت ازدواج ۲۵ سال بوده است.

استاد برجسته حوزه علمیه تأکید کرد: اینکه حضرت خدیجه قبل از ازدواج با پیامبر، دو بار ازدواج نموده و صاحب فرزندی بوده‌زنج‌اند نیز از مطالب نادرست منقول در برخی کتب است. طبق نظر محققین اسلامی دو دلیل واضح در مطالعات این ادعا را نقض می‌زنج‌کند و فرزندان نسبت داده‌زنج‌شده به ایشان مربوط به خواهر حضرت خدیجه است که در منزل ایشان رشد یافتند. شخصیت‌زنج‌هایی که به‌زنج‌عنوان همسر ایشان معرفی‌زنج‌شده‌زنج‌اند اشخاص گمنامی بوده و دارای هیچ مزیت اجتماعی و فردی نیستند که دلیل بر انتخاب حضرت خدیجه برای همسری با توجه به موقعیت فوق‌زنج‌العاده‌زنج‌ای‌زنج‌شان باشند.

آیت‌الله میرعظیمی ادامه داد: مطلب دیگر درجه ایمان و معرفت ایشان بوده که در میان خواستگاران مهم و مطرح خود که وصلت با آنها آرزوی هرکسی بود شخصی متناسب باعقیده ایشان نبود و لذا به‌زنج‌محض اطلاع از احوالات و اخبار مربوط به پیامبر فرصت را طلایی یافته و برای رسیدن به آن، شخصاً به پیامبر پیشنهاد ازدواج دادند چراکه عفت و پاکدامنی حضرت خدیجه فقط با تقوی و امانت‌زنج‌داری و پرهیزکاری پیامبر قابل‌زنج‌جمع بود و بس.

استاد برجسته حوزه علمیه گفت: نقل است که حضرت خدیجه تمایل خود به پیامبر را چنین اعلام نمود: «و حسن خلق و راست‌زنج‌گویی که از تو مشهود است، جداً مایلم با تو ازدواج کنم.» پیامبر در پاسخ فرمودند که لازم است با عموهای خود در این کار مشورت نمایند. ابوطالب در مجلسی متشکل از بزرگان قریش چنین فرمود که: «برادرزاده من؛ محمد بن عبدالله با هر مردی از قریش موازنه و قیاس شود، بر او برتری دارد و اگرچه از هرگونه ثروتی محروم است لکن ثروت سایه‌زنج‌ای است رفتنی و نسب چیزی است ماندنی...» و رقه بن نوفل در پاسخ چنین گفت: «کسی از قریش منکر فضل شما نیست، ما از صمیم دل می‌زنج‌خواهیم دست به ریسمان شرافت شما بزنیم.»

آیت‌الله میرعظیمی خاطرنشان کرد: بیان مسیر ازدواج پیامبر و نحوه عمل ایشان، الگو و درسی بزرگ برای جوانان است که در این امر مقدس چه ملاک‌زنج‌هایی را مدنظر قرار دهند و احترام به نظر کسانی که همواره حامی

آنها بوده‌اند از نکات برجسته این عمل است که باید موردتوجه قرار گیرد که نتیجه آن دعای خیر است. تعمق و نگاه عبرت‌آموز و توجه به فلسفه و منش و موضع‌گیریهای بزرگان در زندگی اولین نتیجه‌ای است که از مطالعه هوشمندانه سیره آنها به‌دست می‌آید و بدیهی‌ترین اثر آن آگاهی و بصیرت در پیمودن مسیر و دور شدن از سردرگمی است.

استاد برجسته حوزه علمیه ادامه داد: به نظر اینجانب مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای که در مؤسسات و پژوهشکده‌ها توسط طلاب دینی و متعهد شیعه به‌طور پیوسته و اصولی و تخصصی برای غربال تاریخ از درست و نادرست تحت اشراف مراجع و علمای پویا آغاز گشته و انصافاً حرکتی لازم و ضروری است، می‌تواند کنکاشی علمی و منسجم در تاریخ و هر آنچه که از آن مورد قضاوت و کاربرد قرار می‌گیرد، باشد. پرداختن به نکات مبهم و فراموش‌شده در تاریخ اسلام و روشن شدن چرایی نکاتی که علی‌رغم کم‌ارزش بودن پررنگ جلوه داده‌شده‌اند، وظیفه و حرکتی بسیار ارزنده در شفاف‌سازی تاریخ است. نقل تاریخ خود علمی مستقل است و بحث تفسیر و بررسی تاریخ، علمی مهم‌تر، تا بتوانیم آن نتیجه لازم را در عبرت‌آموزی از تاریخ و تفکر و تعمق در آن طبق سفارش قرآن به‌دست آوریم، از آن جمله همین مسئله و شناخت زندگی و ابعاد شخصیتی و نقش حضرت خدیجه در اسلام است که از شنیدن خبر سیر و کنکاش مخصوص برای شناخت و معرفی ایشان بسیار خرسند شده و برای این بنیاد به خاطر پی‌گیری و جدیت در آن کمال تشکر رادارم و آرزوی خیر و سلامتی برای دست‌اندرکاران می‌نمایم.